

معراج النبی براساس تاریخ الخمیس و برخی منابع مهم تاریخی

مرتضی تقوایی *

چکیده

واقعه‌ی معراج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از جمله رویدادهای شگرف و اسرارآمیز سیره نبوی است که بازتاب گسترده‌ای در منابع تاریخی و حدیثی اسلامی داشته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای، به بررسی روایت حسین دیاربکری متوفای ۹۶۶ ه.ق. از این واقعه در کتاب تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس در مقایسه با گزارش‌های سایر منابع مهم تاریخی مانند السیره النبویه ابن هشام، الطبقات الکبری ابن سعد، تاریخ الأمم و الملوک طبری، الکامل فی التاریخ ابن اثیر و البدایة و النهایة ابن کثیر می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روایت دیاربکری، به دلیل تلفیق تاریخ با گرایش‌های صوفیانه و علاقه به اهل بیت، بسیار مفصل، داستانی، نمادین و آکنده از جزئیات عرفانی و معجزات است و در نقطه مقابل، منابع کهن‌تر مانند ابن هشام و طبری، روایاتی مختصرتر و محتاط‌تر و منابع تحلیلی‌تر مانند ابن کثیر، رویکردی نقادانه و عقل‌گرایانه را در پیش گرفته‌اند. این پژوهش در نهایت ویژگی‌های متمایز روایت دیاربکری را برمی‌شمارد و جایگاه آن را به‌عنوان روایتی تأثیرگذار در شکل‌گیری درک عمومی و عرفانی مسلمانان از واقعه معراج تبیین می‌نماید.

واژگان کلیدی: معراج النبی صلی الله علیه و آله، تاریخ الخمیس، دیاربکری، سیره نبوی، تاریخ‌نگاری اسلامی، مقایسه روایات.

*. دانش پژوه سطح سه مؤسسه امام رضا علیه السلام.

مقدمه

واقعۀ مبارک معراج، به‌عنوان یکی از اعجاب‌انگیزترین وقایع زندگی نبوی، همواره جایگاه ویژه‌ای در مطالعات سیره و تاریخ اسلام داشته است. این رویداد که در آیات ابتدایی سوره اسراء و نیز سوره نجم به آن اشاره شده، نه تنها یک سفر جسمانی یا روحانی، بلکه نقطه عطفی در معرفت‌شناسی دینی و عرفانی مسلمانان محسوب می‌شود. با این حال، نحوه گزارش این واقعۀ در منابع تاریخی مختلف، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله مذهب مؤلف، گرایش‌های کلامی و عرفانی، منابع در دسترس و روش تاریخ‌نگاری، با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد.

کتاب تاریخ الخمیس اثر حسین دیاربکری، از جمله منابعی است که با نگاهی مذهبی، روایی و آمیخته با مباحث عرفانی، به شرح مفصل این واقعۀ پرداخته است. دیاربکری، با گرایش‌های صوفیانه و ابراز محبت به اهل بیت علیهم‌السلام، روایتی از معراج ارائه داده که بیش از آنکه یک گزارش تاریخی صرف باشد، یک اثر ادبی - عرفانی، پر از نمادها، تمثیل‌ها و مشاهدات خارق‌العاده است. این روایت در مقایسه با گزارش‌های کهن‌تر و تحلیلی‌تر، از حیث جزئیات، طول و تفسیر، کاملاً متمایز می‌نماید.

این مقاله در پی آن است تا با نگاهی تطبیقی، روایت دیاربکری را به‌عنوان یک نمونه برجسته از تاریخ‌نگاری مذهبی متأخر، در کنار مهم‌ترین منابع تاریخی جهان اسلام قرار دهد و وجوه تشابه و افتراق آن را واکاوی کند. پرسش اصلی این است که نگرش و روش دیاربکری در گزارش معراج، چه ویژگی‌هایی دارد و این روایت در مقایسه با منابعی چون ابن هشام، طبری، ابن اثیر و ابن کثیر، چه امتیازات و کاستی‌هایی را نمایان می‌سازد؟

برای دستیابی به این هدف، پس از معرفی اجمالی کتاب تاریخ الخمیس و جایگاه آن، به بررسی روایت معراج در این کتاب پرداخته خواهد شد و سپس مهم‌ترین عناصر این روایت با گزارش‌های سایر منابع تاریخی مقایسه و تحلیل می‌گردد. در نهایت، این

پژوهش در پی تبیین این مسأله است که چگونه عوامل مختلف فکری و مذهبی، می‌توانند در بازسازی و گزارش یک واقعه واحد تاریخی، چنین روایت‌های متفاوتی را پدید آورند.

معرفی کتاب

کتاب تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس اثر حسین بن محمد دیاربکری یکی از آثار مهم و کهن تاریخی مذهبی در حوزه اسلام است.

۱- شناسنامه کتاب

نام کامل: تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس

مؤلف: حسین بن محمد دیاربکری (متوفی حدود ۹۶۶ ه.ق.)

مذهب مؤلف: شافعی با گرایش‌های صوفیانه و علاقه‌مند به اهل بیت (علیهم‌السلام)

تاریخ تألیف: سده دهم هجری قمری

زبان: عربی

۲- محتوا و ساختار کتاب

کتاب تاریخ الخمیس از جمله تواریخ عمومی اسلامی به حساب آمده که به صورت موضوعی و به ترتیب تاریخ وقوع، تاریخ جهان را از ابتدا تا زمان حیات مؤلف روایت می‌کند. ساختار آن به صورت زیر است:

جلد اول

با خلقت جهان، پیامبران پیش از اسلام (از حضرت آدم تا حضرت عیسی (علیه‌السلام)) آغاز می‌شود. بخش عمده این جلد به زندگینامه مفصل پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اختصاص دارد. این بخش که به «سیرت نبوی» معروف است، با جزئیات بسیار زیادی به شرح ولادت، زندگی قبل از بعثت، حوادث دوران مکه و مدینه، غزوات، سریه‌ها، معجزات، فضائل و خصوصیات اخلاقی پیامبر می‌پردازد. این قسمت، مفصل‌ترین و ارزشمندترین بخش کتاب محسوب می‌شود.

جلد دوم

به تاریخ اسلام پس از رحلت پیامبر ﷺ می‌پردازد. دوره خلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیه السلام) را با تفصیل گزارش می‌کند و دوران خلافت اموی و عباسی را پوشش می‌دهد. در نهایت به ذکر پادشاهان و حکومت‌ها تا دوران معاصر خود (امپراطوری عثمانی) می‌رسد.

۳- ویژگی‌ها و ممیزات کتاب

این کتاب چند ویژگی برجسته دارد که آن را از سایر کتب تاریخی هم‌عصرش متمایز می‌کند؛

۱۲۰

الف) سبک روایی و داستانی؛ دیاربکری، مورخ نقاد و تحلیل‌گر به سبک جدید نیست. او بیشتر یک راوی و جمع‌کننده اخبار است. کتابش پر از داستان‌ها، حکایات، اشعار و روایات است که خواندن آن را جذاب کرده ولی از نظر اعتبار تاریخی، نیازمند بررسی می‌باشد.

ب) تلفیق تاریخ و مناقب؛ یکی از اصلی‌ترین اهداف دیاربکری، علاوه بر گزارش تاریخ، بیان فضائل و مناقب پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام است. او با نقل گسترده روایات مربوط به فضائل، جنبه‌ای مذهبی به تاریخ خود داده است.

ج) ذکر جزئیات و وقایع کمتر شنیده شده؛ این کتاب منبع بسیاری از جزئیات و حوادثی است که در کتب تاریخی معتبرتر (مانند تاریخ طبری) یافت نمی‌شود. برای مثال، گزارش‌های مفصلی از معراج پیامبر ﷺ و دیگر معجزات در آن آمده است.

د) منبع‌شناسی گسترده؛ دیاربکری از منابع بسیار زیادی (اعم از تاریخی، حدیثی، تفسیری و سیره‌ای) استفاده کرده که برخی از آن منابع امروزه در دسترس نیستند. بنابراین، کتاب او منبعی برای دستیابی به بخشی از آن میراث از دست رفته است.

۴- اهمیت و جایگاه کتاب

اهمیت در میان اهل تسنن: تاریخ الخمیس در میان اهل تسنن، به ویژه در شام و مصر، همواره کتابی محترم بوده و به دلیل گرایش های صوفیانه و اظهار محبت مؤلف به اهل بیت علیهم السلام، مورد توجه طیف وسیعی قرار گرفته است.

اهمیت برای شیعیان: اگرچه دیاربکری یک عالم سنی است، اما به دلیل علاقه ی شدیدش به اهل بیت علیهم السلام و نقل گسترده فضائل امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و دیگر امامان، این کتاب همواره مورد استناد و توجه علمای شیعه نیز بوده است. بسیاری از روایات مناقب که در کتب شیعی آمده، با ارجاع به تاریخ الخمیس نقل شده اند.

منبع برای محققان: این کتاب برای پژوهشگران تاریخ اسلام، سیره نبوی، تاریخ نگاری اسلامی و نیز مطالعات تطبیقی بین مذاهب اسلامی، منبعی بسیار ارزشمند و قابل توجه است.

۵- نقدها و ضعفها

مانند هر کتاب تاریخی کهن، تاریخ الخمیس نیز خالی از نقد نیست. ضعف در نقد و بررسی اسناد: دیاربکری معمولاً روایات را بدون بررسی سندی و محتوایی دقیق نقل می کند. بنابراین، اعتبار تمامی مطالب آن یکسان نیست و وجود اخبار ضعیف و حتی اسرائیلیات در آن محتمل است.

غلو در نقل معجزات: نقل حوادث خارق العاده و معجزات با جزئیات بسیار زیاد، از مواردی است که از دیدگاه تاریخ نگاری مدرن، اعتبار تاریخی کتاب را زیر سؤال می برد. تکیه بر منابع نامعتبر: او از منابعی استفاده کرده که نزد مورخان متقدم، چندان معتبر شمرده نمی شوند.

۶. نسخه‌ها و چاپ‌ها

این کتاب بارها در کشورهای مختلف اسلامی به چاپ رسیده است. از معروف‌ترین چاپ‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* چاپ دو جلدی قدیمی در مصر (نشر دار صادر)

* چاپ جدید با تحقیق و تعلیقات محققان معاصر

جمع‌بندی

تاریخ الخمیس دیاربکری یک دانشنامه تاریخی مذهبی بزرگ است که داستان آفرینش تا دوران مؤلف را با نگاهی عمدتاً مذهبی و با تمرکز بر سیره پیامبر و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام روایت می‌کند. این کتاب بیشتر یک اثر روایی است تا یک اثر تاریخی تحلیلی. ارزش آن در گردآوری انبوهی از اخبار، روایات و حکایات است که باید با معیارهای نقد تاریخی و حدیثی سنجیده شوند. با این حال، این کتاب گنجینه‌ای ارزشمند برای درک جهان اسلام به ویژه شخصیت و دوران پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نگاه اهل تسنن است.

بررسی سفر معراج

این کتاب یکی از مفصل‌ترین و پرجزئیات‌ترین گزارش‌ها را از این واقعه ارائه می‌دهد.

دیاربکری در جلد اول کتاب خود، در ذکر حوادث سال دوازدهم بعثت، به شرح معراج می‌پردازد. روایت او بسیار داستانی، نمادین و آکنده از معجزات و مشاهدات عجیب است که نشان‌دهنده نگرش صوفیانه و عرفانی مؤلف به این حادثه است.

در ادامه، مهم‌ترین بخش‌های روایت معراج بر اساس تاریخ الخمیس مرور می‌شود؛

۱- مقدمه و زمینه‌سازی

دیاربکری معراج را یکی از بزرگ‌ترین معجزات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند که برای اکرام و تشریف او رخ داده است. او بر این نکته تأکید می‌کند که این سیر، هم با جسم و هم با

روح پیامبر اتفاق افتاده است. البته به ذکر اقوال متعدد در خصوص زمان وقوع، تعداد آن، در خواب یا بیداری محقق شدن معراج، روحانی یا جسمانی بودن آن و... پرداخته و به صورت مفصل نقل نموده است.

۲- نقطه آغاز

مسجدالحرام تا بیت المقدس (اسراء)

روایت با شکافتن سینه پیامبر ﷺ توسط فرشتگان در نزدیکی کعبه آغاز می شود و قلب مبارک ایشان با آب زمزم شسته و از ایمان و حکمت پر می گردد. لازم به ذکر است که داستان شق صدر، از مواردی است که وقوع آن مورد اختلاف شدید در میان محققان جهان اسلام است.

بُراق (مرکبی بهشتی، سفیدرنگ، از الاغ بزرگ تر و از قاطر کوچک تر) توسط جبرئیل علیه السلام آورده می شود. پیامبر خدا ﷺ سوار بر بُراق و به همراه جبرئیل، سفر زمینی (اسراء) از مکه به بیت المقدس را آغاز می کنند.

دیاربکری به ملاقات های نمادین در راه اشاره می کند (مشابه دیگر کتب سیره)؛

• در منزلی، زنی زیبا با زینت های بسیار خودنمایی می کند. جبرئیل می گوید: این «دنیا» است. پیامبر روی برمی گردانند.

• به پیرمردی برمی خورند که نماد «عمر دنیا» است.

• به گروهی برمی خورند که لباس هایی از آتش می دوزند و خودشان آن را می پوشند؛ نماد «کسانی که از حرام روزی می خورند».

• از کنار قومی می گذرند که سرشان با سنگ ها خُرد می شود و دوباره برمی گردد؛ نماد «کسانی که نماز صبح را به تأخیر می اندازند». و چندین صحنه نمادین دیگر که هر یک پاداش یا عقابی را نشان می دهد.

در نهایت به مسجدالاقصی (بیت المقدس) می رسند. پیامبر خدا ﷺ بُراق را به حلقه ای که انبیای پیشین، مرکب خود را به آن می بستند، می بندند. پیامبر در بیت المقدس با جماعتی از

انبیای پیشین (مانند ابراهیم، موسی، عیسی علیه السلام) ملاقات می‌کنند و برای آنان به‌عنوان امام جماعت به اقامه نماز پرداخته و نماز می‌خوانند. این بخش، نشان‌دهنده مقام رهبری و خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

۳- عروج به آسمان‌ها (معراج)

این بخش، قلب روایت دیاربکری و بسیار مفصل است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از صخره بیت‌المقدس (که اکنون زیر گنبد طلایی به نام قبة الصخرة قرار دارد) به آسمان عروج می‌کنند. در آسمان اول گشوده می‌شود. در هر آسمان، یکی از انبیای بزرگ را ملاقات می‌کنند.

آسمان اول: حضرت آدم علیه السلام. ایشان به راست و چپ خود نگاه می‌کرد. وقتی به سمت راست نگاه می‌کرد می‌خندید (نگاه به اهل بهشت) و وقتی به چپ نگاه می‌کرد می‌گریست (نگاه به اهل دوزخ).

آسمان دوم: حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام.
آسمان سوم: حضرت یوسف علیه السلام که زیبایی او توصیف می‌شود.
آسمان چهارم: حضرت ادريس علیه السلام.

آسمان پنجم: حضرت هارون علیه السلام.
آسمان ششم: حضرت موسی علیه السلام. او با دیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریه می‌کند؛ زیرا می‌داند امت پیامبر آخرالزمان بیشتر از امت او به بهشت خواهند رفت.

آسمان هفتم: حضرت ابراهیم علیه السلام که به کعبه تکیه داده بود.
در هر آسمان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با فرشتگان مختلفی نیز ملاقات می‌کنند، از جمله: فرشته موکل بر بادها که گویی بر شاخی نشسته است.
فرشته بزرگی که نیمی از بدنش از برف و نیمی از آتش بود، بدون آنکه یکی بر دیگری غلبه کند.

فرشته مرگ (عزرائیل) که با چهره‌ای درخشان مشغول نوشتن نامه اعمال بود.



مالک، خازن دوزخ که ابتدا به پیامبر ﷺ لبخند نزد، اما پس از درخواست جبرئیل، چهره‌اش گشاده شد و آتش دوزخ را به ایشان نشان داد.

پس از گذر از آسمان هفتم، به سدرۃ المنتهی می‌رسند. جبرئیل در اینجا توقف می‌کند و می‌گوید: «اگر یک قدم فراتر گذارم، خواهم سوخت.» اینجا نقطه‌ای است که دانش همه فرشتگان و پیامبران به پایان می‌رسد.

۴- ورود به ملاً اعلی و مشاهدات

- پیامبر خدا ﷺ از سدرۃ المنتهی عبور کرده و به مقامی می‌رسند که حتی جبرئیل را به آن راه نیست.
- مشاهدات مستقیم از خداوند: دیاربکری، مانند بسیاری از عرفا، به رؤیت خداوند با چشم قلب (نه چشم سر) توسط پیامبر اشاره می‌کند. این بخش از حساسیت بالایی برخوردار است.
- مکالمه با خداوند (نجوا): در اینجا پنجاه نماز در ابتدا بر امت پیامبر واجب می‌شود.
- ملاقات با پیامبران در بیت المعمور: پیامبر خدا ﷺ به «بیت المعمور» داخل می‌شوند که فرشتگان هر روز هفتاد هزار بار در آن عبادت می‌کنند و دیگر خارج نمی‌شوند.
- دیدار با حوریان بهشتی و نه‌های بهشت: دیاربکری به توصیف زیبایی‌های بهشت و نهر کوثر می‌پردازد.

۵- بازگشت و کاهش تعداد نمازها

در راه بازگشت، پیامبر خدا ﷺ با حضرت موسی ﷺ ملاقات می‌کنند. موسی ﷺ می‌پرسد: «خدا چه بر امت واجب کرد؟» پیامبر می‌گویند: «پنجاه نماز» موسی ﷺ که از تجربه خود با بنی‌اسرائیل آگاه است، اصرار می‌کند که پیامبر، نزد خدا بازگردد و کاهش تعداد را درخواست کند، زیرا امت او طاقت این مقدار را ندارد. پیامبر بارها بین خداوند عزوجل و موسی ﷺ در رفت و آمد هستند تا در نهایت تعداد نمازها به پنج نماز در روز



کاهش می‌یابد، اما پاداش آن برابر با پنجاه نماز باقی می‌ماند. موسی علیه السلام باز هم می‌گوید بازگرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «حیاء می‌کنم و راضی هستم».

۶- بازگشت به مکه و اثبات معراج

پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از طلوع فجر به مکه بازمی‌گردند. فردای آن روز، ماجرا را برای مردم تعریف می‌کنند.

- منکران و مسخره‌کنندگان: کفار قریش به شدت موضوع را انکار کرده و مسخره می‌کنند. از ایشان می‌پرسند: «اگر راست می‌گویی، مسجداً لقصی را برایمان توصیف کن».
- معجزه توصیف بیت المقدس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به‌طور دقیق ویژگی‌های مسیر و خود بیت المقدس را توصیف می‌کنند. برخی از کفار که قبلاً به شام رفته بودند، صحت گفتار ایشان را تأیید می‌کنند.
- معجزه دیگر: آنها حتی کاروانی را که در راه بازگشت بود و پیامبر از آن توصیفی ارائه داده بودند، دیدند و زمان رسیدن آن، دقیقاً مطابق پیش‌بینی ایشان بود.

ویژگی‌های روایت دیاربکری از معراج

۱. تطویل و اطناب: روایت او بسیار طولانی‌تر و پرجزئیات‌تر از روایات منابع کهن‌تر مثل سیره ابن هشام است.
۲. غنی از نمادها و تمثیل‌ها: صحنه‌های نمادین زیادی در راه مکه به بیت المقدس و در آسمان‌ها وجود دارد که جنبه‌های اخلاقی و تربیتی دارند.
۳. گرایش عرفانی: تأکید بر ملاقات‌های فراطبیعی، رؤیت قلبی و توصیفات بهشت و دوزخ، نشان از نگرش صوفیانه مؤلف دارد.
۴. هدفمند بودن روایت: کل روایت برای نشان دادن مقام بی‌نظیر پیامبر صلی الله علیه و آله، برتری ایشان بر تمامی انبیا و لطف خداوند نسبت به امت اسلامی (با کاهش نمازها) طراحی شده است.

جمع‌بندی

دیاربکری واقعه معراج را نه فقط سفر فیزیکی، بلکه یک سفر روحانی و عرفانی به اوج قرب الهی روایت می‌کند. روایت او ترکیبی از تاریخ، حدیث، اسرائیلیات و حکایات صوفیانه است که خواننده را با دنیایی از شگفتی‌ها و معنویت روبرو می‌سازد. از نظر تاریخی، باید این روایت را با منابع اولیه‌تر مقایسه کرد، اما از نظر فرهنگی و ادبی، روایت دیاربکری یکی از تأثیرگذارترین روایات در شکل‌گیری درک عمومی مسلمانان از واقعه معراج بوده است.

گزارش معراج در سایر کتب تاریخی

سیره ابن هشام

کهن‌ترین گزارش، مربوط به السیره النبویه محمد بن اسحاق بن یسار متوفای ۱۵۱ق. به روایت عبدالملک بن هشام متوفای ۲۱۳ق. است. ابن هشام در ویرایش خود از سیره ابن اسحاق، معراج را با ذکر جزئیاتی از جمله ملاقات با انبیاء، برخی فرشتگان و حالات برخی از اهل آتش نقل می‌کند و به مسأله وجوب نماز هم می‌پردازد. در کنار بیان نسبتاً مختصر، ولی جریان معراج را تقریباً با جزئیات خوبی بیان کرده است. در دو بخش به بیان واقعه اسراء و معراج پرداخته و در خواب یا بیداری بودنش را معین نکرده ولی اصل ماجرا را درست دانسته است.

نکات کلیدی این گزارش:

- بیان گزارش‌های متعدد از افراد مختلف؛
- اشاره به سفر آسمانی معراج؛
- گزارش‌هایی از بُراق، ملاقات با انبیاء و فرشتگان و دیدن بهشت و دوزخ؛
- جریان وجوب نماز و تعداد آن.



الطبقات الکبری

این کتاب، مجموعه‌ای روایی در موضوع زندگی صحابه نوشته محمد بن سعد متوفای ۲۳۰ ق. است. وی مشهور به کاتب واقدی بوده و محدث، نسب‌شناس و سیره‌نویس معروف قرن دوم و سوم هجری است. ابن سعد علاوه بر اطلاعات گسترده‌ای که درباره صحابه و تابعین و عالمان مسلمان تا زمان خود آورده، به شرحی نسبتاً مفصل از زندگانی رسول خدا ﷺ پرداخته است.

در این کتاب همچنین به مناسبت صحابه و تابعین، شرح حال مختصری از پنج امام نخست شیعیان ارائه می‌شود. این کتاب متضمن شرح حال ۴۲۵۰ تن از اشخاصی است که به نوعی، سهمی در مصاحبت با پیامبر خدا ﷺ داشته‌اند. ششصد تن از این تعداد، زن هستند. این کتاب به منظور شناسایی طبقه‌های نخست صحابه و تابعین تألیف شده و پس از شرح زندگانی و مغازی پیامبر خدا ﷺ، به ترتیب از صحابه حاضر در جنگ بدر، غیر بدری‌ها، صحابه‌ای که به شهرهای مختلف هجرت کرده و در آنجا سکونت کرده‌اند، طبقات هفت‌گانه تابعین و سرانجام زنان صحابی سخن گفته است.

درباره حادثه معراج رسول خدا ﷺ در دو قسمت و به‌صورت مختصر و با ذکر اندکی از جزئیات به آن اشاره کرده است. بیشتر به‌صورت کلی از ماجرا عبور کرده است.

نکات کلیدی این گزارش:

- معراج را در ماه مبارک رمضان نقل نموده است.
- در جریان اسراء، به مرکب پیامبر با ذکر جزئیات اشاره کرده است.
- دیدار انبیاء را به‌صورت کلی بیان نموده است.
- سفر به طبقات آسمان را به‌صورت کلی آورده است.
- وجوب نمازهای پنج‌گانه را به‌صورت کلی بیان کرده است.

تاریخ طبری

نام این کتاب، تاریخ الأمم و الملوك، اثر محمد بن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ ق. است. گزارش معراج با برخی جزئیات در این کتاب آمده است لکن هیچ عنوانی به صورت مشخص به آن نداده و گویا این جریان را در شرایطی که پیامبر خدا ﷺ در خواب بوده‌اند نقل می‌کند. سبک گزارش طبری به صورت روایی است و در این خصوص نیز به صورت مختصر به بیان واقعه پرداخته است. انتظار می‌رفت که گزارش‌های متعددی در این باره ذکر کند لکن چنین صورت نپذیرفته است.

نکات کلیدی این گزارش:

- طبری، به جریان شق صدر اشاره کرده که قبل از سفر معراج، به وقوع پیوسته است.
- به ملاقات با انبیاء در آسمان‌ها (مانند آدم، یحیی، عیسی، یوسف، ادریس، هارون، موسی و ابراهیم) اشاره می‌کند.
- ماجرای کاهش نمازها از پنجاه به پنج نماز پس از گفت‌وگوی پیامبر خدا ﷺ با حضرت موسی ﷺ را به تفصیل نقل می‌کند.
- طبری داستان پردازی نمی‌کند؛ فقط روایات موجود را آورده است.
- او منابع خود (سند) را ذکر می‌کند که برای مورخ ارزشمند است.

الکامل فی التاریخ

این اثر متعلق به عزالدین ابوالحسن علی بن محمد معروف به ابن اثیر متوفای ۶۳۰ ق. است و مشهورترین کتاب وی بوده و جامع‌ترین تاریخ عمومی به حساب می‌آید که بیشتر آن درباره تاریخ اسلام است. وی در مقدمه این کتاب مطالبی را درباره علت تألیف و روش تاریخ نگاری خود بیان کرده است. در جلد دوم از این کتاب، فصلی را به عنوان ذکر المعراج برسول الله ﷺ اختصاص داده و بیان مفصلی در این خصوص آورده است.



اگرچه منبع اصلی وی تا اواخر قرن سوم، تاریخ طبری بوده اما روش طبری را در ذکر روایات مختلف درباره یک واقعه رعایت نکرده بلکه کامل‌ترین روایات را گرفته یا روایتی را که به نظر او درست‌تر بوده با آنچه خود از منابع دیگر یافته ذکر کرده است. گاه نیز اگر مجبور شده روایتی را ذکر کند که در صحت آن تردید داشته، نظر خود را نیز درباره آن آورده یا متذکر شده که درباره این واقعه، اخبار مختلف در دست است. الکامل در ذکر تاریخ اسلام، بر حسب سنوات یا به شیوه سال‌شمار تنظیم شده است اما مؤلف به این نکته توجه داشته است که مورخان، یک رویداد را که در سال‌های مختلف رخ داده، قطعه قطعه کرده و پی‌گیری و فهم آن را دشوار نموده‌اند. لذا برای جلوگیری از این انقطاع، غالباً در یکجا خلاصه‌ای از یک واقعه را که طی سال‌ها اتفاق افتاده آورده و در سنوات مختلف هم قطعات واقع شده و مربوط به همان سال‌ها را در جای خود ذکر کرده است.

نکات کلیدی این گزارش:

- زمان وقوع معراج را محل اختلاف نظر دانسته است.
- جریان معراج را با مسأله شق صدر آغاز می‌کند و پیامبر را در این حالت در خواب می‌داند.
- عروج به طبقات آسمان و ملاقات با انبیاء را بصورت مشروح آورده است.
- جریان وجوب نمازهای پنجاه‌گانه و درخواست تخفیف را بصورت مشروح آورده است.
- کل ماجرا را در یک شب دانسته است.

البدایة و النهایة

این کتب متعلق به عمادالدین اسماعیل بن عمر بن کنیر دمشقی معروف به ابن کنیر، متوفای ۷۷۴ق. است. وی یک مورخ حدیث شناس است. سبک گزارش وی، متقدانه بوده و روایات را از نظر سندی بررسی و برخی را رد می‌کند. او ابتدا آیات مربوط به معراج (در سوره اسراء و بخشی از سوره نجم) را تفسیر می‌کند. سپس به سراغ روایات حدیثی می‌رود و آنها را

از نظر سند بررسی می‌کند. بسیاری از روایات پرجزئیات و عجیب درباره معراج را ضعیف یا جعلی می‌داند و می‌گوید: «روایات زیادی در مورد معراج وجود دارد که برخی درست و برخی نادرست هستند». او به اقوال متعددی همچون ابن اسحاق، ابن شهاب زهري و اقوال در صحیح بخاری و صحیح مسلم اعتنای قابل توجهی دارد.

نکات کلیدی این گزارش:

- عقل‌گرایی و نقادی: ابن کثیر به دنبال خالص کردن داستان از اضافات غیرمعتبر است.
- تکیه بر صحیح‌ترین منابع: او به جای نقل هر روایتی، فقط معتبرترین آنها را (از دیدگاه خودش) می‌آورد.
- احتیاط در نقل جزئیات خارق‌العاده: گزارش او در مقایسه با دیاربکری، محتاط‌تر است.
- ذکر اختلاف آرای موجود درباره تعداد سفرهای معراج و زمان وقوع آن، جسمانی یا روحانی بودن و در خواب یا بیداری واقع شدن.



نتیجه گیری

واقعه‌ی معراج پیامبر خدا ﷺ، به‌عنوان یک واقعه تاریخی - عرفانی، در بستر تاریخ‌نگاری اسلامی، بازتاب‌های متفاوتی یافته است. این پژوهش که با هدف بررسی تطبیقی روایت حسین دیاربکری در تاریخ الخمیس با دیگر منابع مهم تاریخی انجام شد، به وضوح نشان می‌دهد که چگونه عوامل مختلفی چون: عقاید مذهبی، روش تاریخ‌نگاری، اهداف مؤلف و منابع در دسترس، می‌توانند در شکل‌دهی به یک گزارش واحد، تأثیر بسزایی بگذارند.

یافته‌های کلیدی این تحقیق را می‌توان در چند محور زیر خلاصه کرد؛

۱- روایت دیاربکری، روایتی نمادین و عرفانی؛ بررسی‌ها نشان داد که گزارش دیاربکری از معراج، کاملاً با سبک و نگرش کلی او در تاریخ الخمیس هم‌خوانی دارد. روایت او بسیار مفصل، داستانی و آکنده از نمادها و تمثیل‌های اخلاقی و عرفانی (مانند صحنه‌های نمادین در راه بیت‌المقدس یا توصیفات مفصل ملاقات با فرشتگان) است. هدف دیاربکری نه تنها گزارش تاریخ، بلکه تعالی بخشیدن معنوی به خواننده و اثبات برتری و جایگاه رفیع پیامبر ﷺ است. این نگرش، محصول گرایش‌های صوفیانه و علاقه او به اهل بیت علیهم‌السلام است.

۲. طیف گزارش‌های تاریخی؛ در مقایسه با روایت دیاربکری، دیگر منابع تاریخی یک طیف را تشکیل می‌دهند:

در یک سر این طیف، منابع کهن و ایجاز‌گرا مانند السیرة النبویة ابن هشام و الطبقات الکبری ابن سعد قرار دارند که به گزارش کلی، بدون ورود به جزئیات خارق‌العاده و تمثیل‌ها بسنده کرده‌اند.

در میانه، مورخانی مانند طبری و ابن اثیر قرار می‌گیرند که اگرچه روایات را با جزئیات بیشتری نقل می‌کنند، اما معمولاً به ذکر اسناد مختلف پای‌بند بوده و از ورود به تفسیرهای عرفانی پرهیز می‌کنند.



در سر دیگر این طیف، ابن کثیر قرار دارد که با روشی نقادانه و حدیث‌محور، به شدت بر صحت سندی و عقلی روایات تکیه می‌کند و بسیاری از گزارش‌های پر جزئیات و معجزات اضافی را رد می‌نماید. رویکرد او در تقابل کامل با رویکرد روایی و بدون نقد دیاربکری است.

۳- تبیین علل تفاوت‌ها: این تفاوت‌ها عمدتاً ناشی از عوامل زیر است:

- فاصله تاریخی: دیاربکری در سده دهم هجری می‌نویسد و به حجم عظیمی از منابع دست اول و دست دوم دسترسی دارد که بسیاری از آنها امروزه در دسترس نیستند. این فاصله، باعث افزوده شدن لایه‌های روایی و تفسیری به اصل شده است.
- هدف مؤلف: هدف دیاربکری از نوشتن تاریخ، تنها ثبت وقایع نبوده، بلکه وعظ، ارائه درس‌های اخلاقی و تقویت ایمان خواننده از طریق جذابیت‌های داستانی بوده است. در حالیکه هدفی مانند ابن کثیر، پالایش روایات از اخبار ضعیف و اسرائیلیات است.
- گرایش فکری: گرایش صوفیانه دیاربکری، او را به سمت نقل مشاهدات عرفانی و حالات قلبی سوق داده، در حالیکه گرایش سلفی و حدیثی ابن کثیر، او را به سوی احتیاط شدید و عقل‌گرایی سوق داده است.

جمع‌بندی نهایی

اگرچه روایت دیاربکری از معراج از منظر تاریخ‌نگاری انتقادی مدرن و با معیارهای اعتبارسنجی حدیثی، ممکن است با ضعف‌هایی همراه باشد، اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت. ارزش اصلی گزارش او، نه در اعتبار تاریخی صرف، بلکه در نقش آن به عنوان سند ارزشمند فرهنگی و عرفانی است که به خوبی نشان می‌دهد چگونه یک واقعه مقدس در گذر زمان و در ذهن و ضمیر مورخی عارف مسلک بازتفسیر و بازآفرینی شده است. تاریخ الخمیس و روایت معراج آن، بیش از آنکه یک گزارش تاریخی خالص باشد، آینه‌ای از باورها، آرمان‌ها و شیوه‌های فهم دینی در دوره‌ای خاص از تاریخ اسلام است و از این منظر، منبعی بی‌نظیر برای محققان تاریخ اندیشه، عرفان و فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود.



پیشنهاد برای مطالعات آینده

پژوهش‌های آینده می‌توانند به مقایسه‌ی روایت دیاربکری با منابع شیعی در خصوص معراج پردازند یا سایر وقایع سیره نبوی (مانند معجزات) را در «تاریخ الخمیس» با همین رویکرد تطبیقی مورد تحلیل و واکاوی قرار دهند.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
۲. ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۰۵ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار بیروت.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (بی تا)، *البداية و النهاية*، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن هشام، عبدالله بن یوسف. (بی تا)، *السيرة النبوية*، بیروت: دارالمعرفة.
۵. دیار بکری، حسین بن محمد. (بی تا)، *تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس*، بیروت: دار صادر.
۶. طبری، محمد بن جریر. (بی تا)، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیة.

